آرای خود، می‌گفتند کدام شرح عمیق و صحیح است و چندم سطحی و ناصلح. کتابخانه فلسفه‌های زندگی دنیای بی‌باز این آرزوهای گرفته و طی ۶۶ سال اخیر به‌سراغ صاحب‌نظرانه رفته است که در حیطه‌ای خاص مشهورند و آثاری قوی به چاب رسانده‌اند. سوال این کتابخانه از فلسفه‌های زندگی این است که آن‌ها چرا با برخی گزاره‌ها و مسائل مخالف هستند و دلیل موافقان با مخالفان شان چیست؟ تاکنون اندیشه‌های و فلسفه‌های معرفی‌جوی مارتين بویر، پرترنر راسل، گیورگی کادامرگ، کارل بوپر، رودلف کارناب، جان دیوی، آلفرد نورث و واو‌هند و سیدوسین نصر مورد توجه و بررسی این کتابخانه قرار گرفته‌اند. کتابخانه فیلسوفان زندگی در سال ۱۹۳۸؛ یعنی، یک سال پیش از درمین جنگ و برقراری بین‌المللی به همت آرترو ابیلیت و نهاده شد. به اینکار املایی از چند متفکر و متخصص مرتب دو دریغ می‌شورد تا وجوه مختلف آرای یک متفکر منتقد را مورد بحث و نقد قرار دهد.

مقدمه
شاپرکرای‌های محققان علمی سیاسی و اندیشه‌های سیاسی، یک آرزوی دری‌های این باشد که ای کاش افلاطون، مارکس، کانت و ... زندگی می‌شود و ضمن مطالعه‌های شرح‌های

1- Arthur Schlipp
خواندیدی ایرانی در دهه اول قرن بیست و دوم میلادی، سیدحسین، این مجموعه که آن را از امتیاز و اعتبار مضمونی برخوردار می‌سازد، به‌نتیجه‌اکننده مورد بررسی به‌هر‌کدام از‌نقد‌های‌آرایه‌شده، به‌بدین‌ترکیب‌که‌پس‌از‌دریافت‌نقد‌های‌استادان‌و‌مفهوم‌اگر، آن‌ها‌را‌در‌اختیار‌مفهوم‌منتخب‌قرار‌داده‌و‌پس‌از‌دریافت‌پاسخ‌تخصصی‌وی‌به‌نقد‌ها، به‌جواب‌آن‌می‌بادرت‌می‌ورزند. «فلسفه‌سیدحسین‌نصر»‌پرسای‌این‌ویژگی‌ها‌تعدین‌و‌چاب‌شهد‌است. در‌این‌مجمع‌۳۳‌نقدم از‌اندیشمندان‌افقی‌نقاط‌جهان‌در‌باب‌اندیشه‌های‌فلسفی،‌عفرایی‌و‌معنوی‌سیدحسین‌نصر‌جمع‌آوری‌شده‌و‌نصر‌به‌هر‌کدام‌از‌این‌نقد‌ها،‌پایی‌پیوسته‌داده‌است‌؛‌بخش‌دیگر، در‌این‌مجمعم حدود ۵۸‌فصل‌در‌پی‌هم‌آمده‌و‌من‌را‌به‌گنگ‌نکننده‌از‌استدلال‌ها‌و‌بحث‌های‌بهرت‌و‌دقیق‌تبدیل‌نموده‌اند. آن‌چه‌در‌پی‌می‌خوانده‌چگون‌نقد‌ها‌و‌پای‌نصر‌و‌بالاخره‌سنجش‌ارج‌این‌ارج‌بی‌باشد.

تقریب‌زندگی‌در‌اویل‌نگ‌یعنی‌از‌مجموعه‌فلسفة‌سیدحسین‌نصر، نصر به‌پیمان‌تحولات‌زندگی‌خانوادگی‌و‌فرهنگ‌بی‌خود‌و‌خاندان‌طبی‌دو‌قرن‌افتری‌پرداخته‌است. شاید‌نکننه‌ای‌که‌برای
یک نفر فلسفی معرفی نماید. به عقیده عمرو، سیدحسن نصر على نعمان فیلسوف فلسفه اسلامی، وی برای استادگی فلسفه فلسفه در جهیزی، در بابه فلسفی، از استادگی عرفانی و تعابیر سنتی استفاده می‌کند. تأکید نصر بر مبانی عرفانی فلسفه اسلامی و خاتمگاه وحیانی و دینی فلسفه قدم سبب شده است که نوانجاکایی رییه به نصر اختصاص داد و از آن عداد فلسفی‌ی کبر مطرح کرد (ص 91). فلسفی‌ی کبار مطرح کرد و نصر در جواب عمر که یک محقق مشکل از فلسفی‌ی‌ی بیش از حد مه‌هم می‌سازد، به نظر می‌رسد که چنین پاسخی بی‌ده‌که اهمیت ست به قدری چشمگیر است که می‌توان فلسفی‌ی را در دل نور مطرح ساخت. ست، خاستگاه و تداوم و حیانی داشته و در مواضع وحی مجسم است و هر فلسفه‌ای که خواهد به چنین حرفکتی پی انتی باشد، تاکنون از مرتبتی نازل عقل؛ یعنی عقل عصبانگر و استادگان فرتر نخواهد رفت.

برگدم، چون آنها قدّم دارند شاه را به قصد مالجه‌ی ایران خارج کنده‌اند. (ص ۳۳) این آخرین سفر نصر از ایران بود. پس از سال ۱۹۷۹ نصر همچنان به فعالیت پرداخت و تاکنون بیش از ۵۰ کتاب و ۵۰۰ مقاله تألیف، تدوین، ترجمه و صحیح کرده است. او در سال ۱۹۸۱ به عنوان اولین متون‌شناس شرقی و مسلمان به سخنرانی بسیار معیتر گفورد در دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند دعوت شد و هم‌اکنون این راه‌های هفت دهه از عمر، همچنان به تحقیق و تولید در زمینه نویسندگی مشغول است. طبعاً این حجم از تولیدات عاری از نقش و نقد نبوده است. ۱۳ تقد وارده بر افکار وی که در مجموعه‌ی «فلسفه سیدحسن نصر» آمده است، بستگن قرار داشت.

۱- جایگاه سیدحسن نصر در تاریخ

فلسفی‌ی اسلامی

سیاست‌ی از متون‌شناسی که در این مجموعه به آزای آنها اشاره می‌شود، نصر را «فلسفوخ» خطاب می‌کند. (محمد سهیل عمر) در بیان و نقد آرا نصر این سوال را طرح می‌کند که واقعاً سیدحسن نصر چه کننده‌ی جدیدی را برای نموده است؟ باید به این پرسش پاسخ می‌تواند شاه نصر را به عنوان واقع
۲- دفاع نصر از حکم خالدة

«حکم خالده و علم جدید»

عنوان دومین مقاله کتاب است که توسط یکی از همفکران قدیمی میرا، ولیفگان اسیری، نگاشته شده است. سخن اسیری در این مقاله، بیشتر تأثیر دیدگاه کلی نصر در باب حکم خالده است و خود نصر در جوابهای به وی، صرفاً به تأیید و تفسیر دیدگاه اسیری اکتفا می‌کند و می‌گوید: با مطالعه دیدگاه اسیری مرسوم می‌شود و احساس می‌کنم که دیدگاه هایه بله می‌کند اندیشه از تأیید است و با علم جدید هم سازگاری دارد. اسیری یک نکته بسیار اساسی را در این مقاله مورد بررسی قرار داده و معتقد است که منطق کوانتوم در علم جدید اصلی بتیح حقیقت از را که همواره بوده و هست، تأیید می‌نماید. از نگاه اسیری، سخن‌هایی که در سزارهای آکادمی گفته، نشان از طبین ندای ساتریا نادر و نصر اندازه‌بینی نمی‌دهد که چنین فضایی به را به کلی محکوم کند. نصر با بیان عناصر اصلی حکم خالده و اندیس حضور آن در زندگی در مرز امروز و فردای آینده، غرب مدرن را بیگانگی از جهان شناسی می‌برد حکم خالده، معرفی می‌نماید و بیش از آن که به بیشینی شیوه تجلی
با مطالعه مقاله نویل، بدين نکته‌ی اساسی اشاره مي کند که حكمت خالده منتظم قدرت حکمت و رحمت الهی است که همواره به است و خواهد بود. این جریان على رغم حمله‌ی همه جانبه همواره خروشان بوده و طی سال‌های اخیر اشتباق بدان در دانشگاه‌های غربی و شرقی به وضح آشکار است. بنابراین، نصر چنین پاپخ‌ی می‌گوید که حکمت خالده بسیار فراتر از مفهوم عرصه عمومی مورد بحث در فلسفه‌ی سیاسی مدرن بوده و بسیار اعم و دقیق تر از آن است؛ چرا که در عرصه‌ی عمومی از همواره عقلی و از اصالت سنت خبری نیست و افراد بیش از آن که به آغاز بین‌دهند، در خیال آندازه‌ی (ص 191).

۴- حکمت خالده و ادیان جهان

به‌کینگ در مقاله‌ای با عنوان فوق، حکمت خالده، عینی، عصر هریث‌بخش به فکر مسلمانان حتی نوع انسان را مورد بحثی جدی تر قرار می‌دهد. نکته مورد نقد کینگ، سنت محوری نصر در همه ادیان سومی است. و برای این که ابتدای معانی سنت رای‌تن‌های می‌کند و ضمن بدان اهمیت سنت، آن را از همه ادیان دیگر جهان.
5- نصر و مسالیه ابر قدسی

نقرت و لن کازو ایستاد کرون فلسفه در دانشگاه امریکایی فجره، آثار نصر را چنان‌که برای فلسفه‌ی کلاسیک اروپای مدرن معناداری کند که در صد است تمام کوچک غربی‌ها را طی پانصد سال‌ها از خود کنند و جهان را دوباره در کام ست، افسون‌ها و سحر و جادو فرود گذاشته‌های نصر را در راستای افکار اقلیدسی می‌داند که همه طیعت را ناپاید و پنهان مقدس دانسته و انسان را در قابلیت می‌پندان می‌کرد و این اندیشه‌ها با افکار فلسفه‌ی مدرن اختلاف اساسی دارد. آنان معتقدند که خداوند مرده است، طیعت را با‌اید تحت سلطه در آورد و انسان آن است که می‌داند و می‌خواهد.

گازو با مراجعه‌ی مکرر به آثار نصر، افکار وی را انتی، مقدس‌گرا و وحی‌ی اندیشه‌ی می‌یابد و این‌ها را به نصر وارد می‌کند که در اندیشه‌ی او نوعی انحصارگرایی نهفته است که می‌خواهد همه تحویل ادام و عالم را با خمیر‌ماره‌ی اسلامی توجه نماید و برای نیل به این هدف حاضر است تمام ارکان مکتب رقیب را اکنار و محکوم نماید (ص۳۵). نصر حتی

6- خاستگاه متفاوت‌یکی بودیسم و تفکر اسلامی

پایگاه و بنای متفاوت‌یکی، مهم‌ترین وجه اشتراک اسلام و بودیسم اسلام که مورد توجه بکی از اساسیت فلسفه‌ی دانشگاه دولتی نیویورک بشماره کشت ابتدای قرار گرفته است. این‌ها از این وجه اشتراک به‌عنوان عنصر پایبند و گفت‌وگو بین دو هواپیمای ایندیکسی یاد کرده و تعامل و گفت‌وگو بین دو دین

1- Ernest Wolf Gazo

2- Kenneth Inada
مناسبت‌های مدن بر خیال‌اتق‌داد نمی‌تواند. فکری بشر معاصر است. همین‌رنه مشترک نوین‌دان و علاوه‌ی سنتی، نصر به ادیان و سنتری سبب شده است. نصر گفت و گو بین این دو آیین را موجه و می‌سازد و نماید. برای این امکان دیل چنین قوی و مستندی از آن تقدیر.

7- دیدگاه سیدحسین نصر در باب زمان و سرمایه

تقدیم دیگری که بر مجموعه‌ی غنی فلسفه سیدحسین نصر وارد شده است به تحلیل نصر از عصر زمان و سرمایه اختصاص دارد که بی‌داد دیدگاه‌های سند جراز و هویت سنتی را تشکیل می‌دهد. زمان در نگاه نصر، برخلاف هرودت مدرن و به ثبت دارد و نه تغییر و امور در طول هم‌قرار دارند و نه در عرض هم. حرکت انسان در هم‌مراتب سنتی، براساس کشف رمزهای هستی این که قابل از او وجود داشته است. در واکنش به این حرکت سیاسی از اسطوره‌ی یاد و تذکر افلاطونی است که چنان این چنین هم‌مراتب در حالی به‌پای که در آیین‌نکاتی است که فراموش کرده است. جریان مک‌لی و دریچارد خوری ۱ ضمن بیان‌نکاتی در باب (توحیدی-غیر‌توحیدی) اماکن سنتی، می‌نماید. از نگاه این‌داده، ماهیت‌شناسی، ساخت سرمایه زمان، تکنیک وجود و شیوه‌های تحلیل حکمت ازجمله مصادری‌های این سنت اسلام و بودیسم از ماهیت منافی‌ریکی برحوردارند. این‌ها هر دو معتقدند که تولید و تحویل با صلاح‌الاحمدی امری موثر بر این‌ما صورت می‌پیماید و تناسب و انسلجام انتها‌ی هستی، اانکارانباید است. این‌داده بر این‌داده بسیاری دیگری از متتفاوت‌های، نادرست

ست مجری‌های صحیح مسائل گیتی را توسط نصر پدیده می‌گردد و معکورد است که اقرار بر نظر بی‌بدل سنت است و انتقاد تحقیق سازندگان مدرنی، در نهایت صاحب گفت و گو است. نصر پس از ملاحظه‌ی تقدم‌های این‌داده، اسلام و بودایی‌های ماورا تطلبی‌ها را اامت و سما مغری کرده و گفت و گوی آن‌ها را برخی‌الافکار گفت‌و‌گو با مدرن‌ها و تم‌ام‌بخش می‌داند. به‌ین‌داده، روابط متین بین مسلمانان و بودیست‌ها از نکات دیگر مورد توجه نصر است که به عقیده‌ی یار گفت و گوی بین اسلام و بودیسم را تأیید و تکریم می‌کند. شاید باید محضر معترض نصر به این‌داده به خاستگاه شرکی این‌داده مربوط است. وجه مشکل این‌داده از سلطه‌ی اختیاری-

1- Richard Khorei
8- فلسفة هنر از دیدگاه سیدحسین نصر

برای اینکه بررسی در موضوع خاصی در افکار نصر اشاره می‌نماید که شناخت مفهومی در تماشای هنر سنتی از هنر مدرن است. نصر با معرفی هنر سنتی و فقط هنر سنتی به عنوان هنر مقدس، از عناصر سنت و فقرر مسئله‌بار در مدیتیه سخن گفته است. به نظر دیویش: نصر هنر را براساس چارچوب و بایگاه مشابه‌کنیکی تحیط می‌نماید و محدودیت‌های این نظریه محدودیت‌های الهامی است. در مقابل اینکه هنرمند باید از تجربه هنر و تسلیح و تلبیق قوای ذهنی هنرمند نیست، بلکه هنر نوعی رابطه‌ای است. در مقابل اینکه می‌تواند از وجه حقیقت را در قابل اثر عرضه می‌دارد. از این منظر، افراد به بنویس هنرمند و آثار هنری توجه نمی‌کنند. بلکه اندیشه‌های خود را به منبعی معلول می‌کنند که هنر از آن سرچشمه گرفته و با دستان هنرمند به ظهور رسیده است.

دیویش معنی‌دار است. از دیدگاه نصر هر هنر مفصلی، هنر سنتی نیست.
تاون گنی و قابل توجهی در زمینه سویسیم، سلول عرفان، مقامات عرفان، میان‌رود ادبیات و نظریه‌پردازی در هنر مقدس (دینی) نبست؛ بلکه اهمیت آن از آن است. دیوتنز از این جهت به نسر اتفاق‌آمیزی کرد: بلکه ایراد او به آرزو یا نبست نصر است که می‌خواهد. جهان مدرن را جز از جهان سنگی بپرده، امیری که از نگاه دیوتنز سیاست دیوانه و حتی محاک است. پاسخ نصر به دیوتنز نشان می‌دهد که هموصانان از گفت‌های خشون طی قحل سال‌های اخیر، دفاع می‌کند. نصر خطاب به دیوتنز

گفت است: محنی کشیدگان از مزدیتی که سرانجام به سنین پناه خواهند، نمی‌بیند. می‌بیند ممنوعیت گربه‌ای هم‌گوش، مذقی عرفانی یعنی متسلسل و افتاده، بر این نکته تأکید نموده است که تلقی عرفانی نصر، مطالب و نظریه‌ها را یا غیرقابل سنجش ساخته است و منتقد باید نصر را بیفهظد. وقی نصر می‌گوید که کتابی (معریف و معنی‌نت) حاصل پیدا آسانان و زمین است و آفرود یازده از تلقی سنی است، داوران آثار نصر، در ارزیابی روانی و استحکام اثر از، می‌ماند. بیان خواناً باارات خود شبیه‌ی مسکن نصر است و تبين‌های نصر را از حکمت خالده، عرفان و منافی‌هایی بی نظر می‌خواند، او کسب است که تمام آثار نصر را به دقت خواندگی است و با آن‌ها به خوبی آشناست، به طوری که در یک مقاله‌ی هفت صفحه‌ای ۱۶۲ سرود به آثار نصر ارجاع داده است. به هر حال خانم

۹- فهیم امر مقدس: نظریه‌ی عرفانی

سیدحسین نصر

در مغرب زمین، سیدحسین نصر را بیش از آن که یک فیلسوف بدانند یک نظریه‌پرداز عرفان نظری می‌پندارند. که

1- Luci Lopez Baralt
بازال پس از تعمید از نصر، زبان
بچیده و اشعار ایفاش نصر را از جمله
موارد اهمیت کرد، و آنچه
وی را به نجع وا می دارد این است
که دوا نصر برای بیان یک امر الهی از
زبان شعر استفاده می کند، در حالی که
قرآن آن را مذکرت کرده است. نصر
 ضمن تقدیر از اشارات دقیق باراکت
رابطه بین منافعیکی و سایر علوم
ازجمله علوم پویشکی و نیز عرفان را
امروطبی می داند و از روش های
شامل همه روابط متسوی بین علوم
است. نصر در باب استفاده از اشعار
معتقد است که زبان شعر در قرآن بدن
خاطر مدیت شده که عکاپ جاهلی با
استعمال از اشعار به فنی تعالیم نیست
می بردادن و این به معنا به حرمت
شعر در اسلام نیست. بلندیان پیامهای
اسلام نه به زبان قبله؛ بلکه به زبان
شعر به است و به عنوان نمونه
می توان به شعرهای مولانا و حافظ
رروع نمود (ص 292).

۱۰- امر مقدس در مقابل امر سکولار:
دیدگاه نصر در باب علم
«بایهم کالین» در مقالهای با عنوان
فوق معتقد است که تعیین نصر از

1- Ibrahim Kalin

2- Scientia Sacra
11- دفاع نصر از حکم خالده
مغالطی یکی از همکاران و دوستان اندیشکده سیدحسن نصر به نام ولی‌فاطمی اسیمیتی است که فراست و
فرود حکم‌ها تکرار شده به سیاست‌های نصر است. اسیمیتی ابتدا به سخنرانی
نصر در گیفورد اشاره می کند که سیدحسن نصر در ۷۲ سالگی بدان
متفکر شد، البته نه به عنوان یک تابعه
بلکه با عنوان متفکری در سنت
اندیشگی خاصی که فلسفه برگزاری
سخنرانی‌های گیفورد است. اسیمیت
پس از شرح افکار نصر با رجوع به
سخنرانی‌های گیفورد - مقوله
حکم خالده را مورد توجه خاص
قرار داده و این اراد را به نصر وارد
می داده که بین حکم خالده به مفهوم
ستنی آن و علوم جدید گست
نابیزرفته قابل شده است. از نگاه
اسیمیت اتفاق‌آ که و عالمان جدید در
بسیاری از مواقف خداجو بوده و در
حدود تصویر کهان و کنجکاوی در
آثار و آثار الهی بوده‌اند، مانند آلبرت
اینشتین که در پی یافتن شکننده و
نشان‌هایی که حیات اصلی بوده است
و نه صرفاً در جستجوی یک تفند
ساده علیکه اسیمیت که خود
تحصیلکرده‌های علوم فیزیکی در زمینه‌ی
کشف های جدید، به «کشف مجدد» رو آوریم و در مورد زندگی‌مان به تأمل پبرازیم. مونسترآ ز نصر می‌رسد: چگونه به چنین آرزوهایی دست یافته است؟ که متاسفانه با هم نصر به کلیات بسته کرده و به بازآوری ارج ست، ریشه‌ی طبیعت و طغیان انسان مدرن اکتفا نموده است. نصر توکوییه را تومی بر توجه به ماهمت و جهت علم مدرن نادیده نمی‌گذارد؛ آما آن را فقط یک لحظه و مرحله ای انتگارد که تحت شعاع علم راستین قرار دارد. نصر در جواب و خاطر نشان می سازد که ما به ریشه و بنیادهای منافی‌پذیری علم توجه کرده و قضایاً را برآساس آن شکل می‌دهم (ص ۵۱۴).

۱۳- جهانی شدن علم و حکمت

خالده

ماهمت جهانی علم موضوع مقاله‌ای است که توسط آلیس در امسد و به «کالگادین» به نگارش در آمده و به مقایسه حکمت خالده مورد تأکید نصر و گسترش براحایی علم در جهان جدید می‌پردازد. کالگادین برای پدرانش این هدف به دو کتاب اساسی نصر بیان «عمرت و معنویت» و «نیاز به علم قدسی» تمرکز می‌نماید و ضمن تبیین خاصیت‌های نظری‌پذیری علم از نگاه مستند (ص ۸۹۵) این پرسش را مطرح می‌کند که معنی اساسی جهان مدرن چیسته که از نظر معنا نه شده است؟ آیا با یاد بگیریم یا مجرد‌اً کشف کنیم؟ چرا ماهی کشف جدید به نیاز اما به «کشف مجدد» محتاج هستیم؟ مونسترآ با اشاره به نقل تاریخ در تکوین هویت می‌گوید: حرف آنکه به کلیدشنه علی انتیشه نمی‌تواند هویت و معرفات خود را بشناسد. شاید اهمیت نصر برای مونسترآ از یک گذشته نگیر وی است. بنابراین، مسئله‌ی مونسترآ گفتاری مدرنیته است و این خواهد وزن داشته‌که در قبال این پرسش بسیم‌دتی، یکی از قصه‌های صوفیان و آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام که هر دو در دهه ۱۹۷۰ در انتظار مشترک و مورد اقبال واقع شدند، جامعی خود را از این جهت که تحت سبطریه علم قرار گرفته است مقدس می‌کند و ضرورت رهایی از آن را خاطر نشان می‌سازد.

وی پیش‌هماد می‌کند که وقت آن فرا رسیده‌تا دست‌آوردگان علم و تکنولوژی را مورد سنجش قرار دهیم و این نتیجه‌نی نصر را باور کنیم که برای زندگی صلح‌آمیز در زمین باید با آسمان به نهایت برسیم، به جای...
14- حكمات خالدة و علم مقدس دين

«مهدي امين رضويا» ذا داجشوجان

سابق و اهمكاران فعلي سيديحسين

نصره به مدحت دو دهه با أفكار و
شخصيت وى آتشا بوده است در
مقالاه يا عنوان (حكمات خالده و علم
مقدس دين خالده يست مدرد) برداشت
نصره را از حكمات خالده و استفاده از
آن برای تحليل اوضاع كوني مورد نقد
قرار داده است. به نظر رضويا بهام
افكاره نصره از این است که ضمن نقد
متفکران ظعقاتاو و تقدیس آرای
فیلسوفان سلمان، به محنتواي أفكار
آنها اشاره نمی کند: عنی، نمی گوید با
کدام یک از أفكار آنتیانا مشترک مواقف
است یا کدام وجه فیلسوفهای غربی
بیان سنتی است. نصره که به
واسطه تأکید بر ذوق و تهدید
درمن و یا سایر تبادل خود در مقابل
مشایخ و اشراقوی باپ فکری
جدیدی گشوده است، به مقیدی
رضوی تجسم آرای قرون وسطای

نصره به تكوین نوعی زبان جهانی

تحت عنوان (زبان جهانی علم)، تأکید
می کند که اعتماداً می تواند جاشتین
حكمت خالده شود؛ عنی، اگر پیش از
این همکان براساس حکم خالده در
جست وجو و حقایق مطلق در همه
جا حاضر، بودند و به ازیت و ابدیت
آن ایفان اکثردند، اکنون علم چنین
کارکردی بانیه و جهانی شدن علم
اساساً باید معناده. نصره ضمن رب
پیشههاد کانگادین، بحث خود را از نام
نویسه‌ده آغاز می کند و می گوید:
آشنی، عنی، سمل هم‌اهنگی بین
ادیان و فلسه‌های مختلف (ص.
پس از این مختلف و فلسفه‌های
گوناگون در یک هارمونی بنیادی و
معنای هستند و همکی در یک هدف
مشترک که عبانتست از: شناخت امر
حقیقی و مقدس یوند شناخت روبی.
نصره با جهانی شدن، به این لحاظ
که خاستگاه، بقیه، و مقصد غربی
و مقدون دارند. در مصدک تسلط
هویت‌ها، به خصوص هویت‌های سنتی
و مقدس، است. مخالفت کرده و
ست‌زاوی را عظیم ترین و مهم‌ترین
عازم‌های جهانی شدن معنی می‌کند.
و در جواب کانگادین که حکم
خلاله را در حال تکامل به اشكال

1- Globalization
اساساً نمی تواند گفت و گو کند (ص ۱۵۴). در جهان جدید کاروپزی، خلق نفس، فهم، استناد کات و انسان‌های در دنیای هنری گفت و گو این که فهم بیشتری حاصل می‌کند.

سیاست‌سنجی نیست در پاسخ به دانشجوی‌ها و متقاضی‌های خود، راه‌هایی که از اصطلاحاتی مانند قرن وسطی و عهد میانی و... استفاده نمی‌کند. خواه یک اسلام - برخلاف اروپا - قرون وسطی نداشته است و خود نصر را که پرو ملاصدرا و حکیم سیزوری است، نمی‌توان پرو حکمای عهد میانی اسلام نامید. نصر ضمن پذیرش و انشا اشاره قابل توجهی با توماس اکویناس همچنان بر این نکته تأکید دارد که او منفکر قرون وسطایی بوده و پدیده مدل‌ها و سیستم‌های اندیشه‌های اسقفی است و ارزیابی همین مدل‌ها و سیستم‌ها از انسان‌شناسی مدرن دوری گرد (ص ۱۵۴).

اروپا (به‌عنوان تاریخی و نه زورنالیست) و نیز قرون میانی اسلام است که همگی طرفدار دین مداری و پرهیز از تبدیل و تغییرات بودند. بخشی دیگری از فقد رضوی متفکر انسان‌شناسی نصر است. به عقیده‌ی وی در جهان پس‌مدیر که حتی آزادی و خودپروری انسان زیر تقدمی دارد، نصر از انسان مقصدی دفاعی می‌کند که برای تطبیق با حقیقت‌هایی باز در سلول معنوی، باشد. ذا اساسی تربیت تلاش انسان، یادآوری چاپگاه تحقیقی و تقلی برای استفاده است. با این فرض انسان‌شناسی، فلسفه‌های بی‌ثباتی یک فعالیت عقلانی و انسان پس‌بایان بافت اصل است و نه ساختن اصلی دیگری. بنابراین، از نگاه نصر، فلسفه‌ی بدون دوق بی‌معنای و مانند اکویناس پاین‌دار داشت تا فهمیده، نه ایان که همیدم تا با‌روی رسید. اگر انسان‌شناسی است و فلسفه‌های پس انسان‌شناسی نمی‌تواند در مناسبات با دیگران خدا و طبیعت، طبیعت گردید، برای این که هم‌مان مخلوقات در یک نسخه‌ی مشترک که این ابزارنشت از کوشش برای وصال به اصل رضوی معقد است نصر با آن نافذ، ارتباط خود را با جهان جدید قطع می‌نماید و

- همه و هیچ مطلوط در آرا ی
- ارشدین نصر

۱- Archie J. Bahm
ارای نصر، به پاره‌ای تناقض‌ها در افکار نصر اشاره کرده و جویای پاسخ می‌شود. باهم، برای طرح پرسش خود ابتدا تضاویلی معرفی خود با نصر را چنین بیان می‌دارند: نصر یک مسلمان صوفی است؛ اما یک طبیعت‌گرای از جنبه‌ای مفروضاتی که در باب خود انسان، انسان، انسان یک چیز است و مفروضات نصر از دیگر، از نظر نهادی و تجربه‌ای تغیرپذیری و اعتباری است؛ اما از نظر نصر نقطه و مقدس. انسان را موجودی مجزه به عقل خلاق، قادر به تغییر جهان و متشکل از اجزای مختلف می‌دانم: اما نصر انسان را موجودی می‌بیند ساخته‌ای عقل که خلق‌شده نا مطلق را پهناس و شریعت به عنوان امداد ضروری و امری مقدس حدود حکمت عقلانی بشر را معیین و محدود کرده است. و با این مقدمه از نصر می‌پرسد مقصودش از عباراتی صورت «نسبتاً مطلق» و حدود در کریست و کریست در وحدت کدام است؟ مگر نه این است که کل همواره کل و جزو همواره جزو است و فقط اجتماع تجربه‌ای است که تکیه یک کل را می‌دهد؟ باهم» در ادامه سوالاتی از مفهوم شر،

1- Nasr’s Absolute Everything and Nothing
سال پنجم، شماره ۴، ۳۱۳۱

۱۷۸

و فرانک را علیم به عالم غیب و عالم حاضر (شهبادت) می‌دانم (ص۲۳) و
چنین باید را در پرونده بین‌شماری سنتی
یافته‌ام (ص۲۳۸) موریس اضافه‌کرده‌است که عقل
در ارسطویست و عقل کانکتی که عقل
شهیوه است و پیگیر کانکتی که عقل
شهویی است که بینان آن در

و حی و نبود نهفته است؛ بنابراین، هر
کس که با استقلال شهوت درونی و
کمال، به قول عهد دست یابد، آن‌گاه
می‌تواند ضمن فهم و حی، به حقیقت
رهنمون شود. نسیب از این رو
شناخته به نیکی و به تفاخر باد کرده و
آن را غنی تر از فلسفه‌ی بوننار، ایران
باستان، ادبیات شرق و نیز فلسفه‌ی غرب
می‌دانند. این جاست که انقاذ
موریس آغاز می‌شود و وی این ایراد را
وارد می‌کند که چگونه می‌توان از
جین عقل سخن کفت که خود وامدار
یک مینع دیگر است و به چای فهم و
نقد، در صدی کشف و شهد است؟

۱۷۹- الهیات فلسفی در اسلام

«دریه‌بی، پی. بارل» به سید حسن
نسر یک ایراد روش شناختی وارد
داسته و اذعان می‌داشد که نسیب در
سیاسی مواقع خلط می‌نماید و به
چاج تنولوژی دیگری در هره برده

1- David B. Burrell
یکی از عناصر بسیار اساسی اسلام است که در جهان معنوی به سر می‌برند. «ویلیام چیتیک» یکی از روح‌فکران اسلامی، مجموعه باورهای مربوط به موجودات خاصی این انسان‌ها معنی‌دار است. این انسان‌ها به دور از ابعاد انسان‌های عادی، بر جهان محور است. نظرت دارند، آن گونه که خدا می‌خواهد، انتظار شکستگی‌های زندگی انسان‌های عادی این است که با چنگال عادی رؤیت نمی‌شود و خواسته خداستند که در انواع و اشکال مختلف برخی انسان‌ها ظاهر شده و به چگونگی از معجزات الهی را آشکار می‌سازند و بلایات به عالم غرب‌زای می‌گردند. چیتیک ضمن ارائه مجموعه مبنای مبهم درخصوص این موضوع به تفکیک مزایای تمایز بین انسان‌شناسی براساس کیهان‌شناسی اسلامی و انسان شناسی مدرن پرداخته و اعتبار و استواری نگرش‌های جدیدی در به‌کنونی از مقاله‌های خود به تفکیک دو نوع روح‌فکری در بین مسلمانان می‌برد. یک دسته از روح‌فکران مسلمان به تعدادی معنی‌دار است. است. 

1 - The Obesent Men
چیتیک این است که برای برهه از استیلاتی شناخت غربی، می‌توان از اصول و منابع چون رجال الیب سنگ گرفت و خواص فیل کردن شده را به عرصه انسان‌شناسی اورد (ص ۷۰۲).

۱۹- از شناخت جهان تا شناخت

چگونه شناخت ما نسبت به جهان، شناخت خود را در پی می‌آورد؟ به عبارت دیگر فهم و شناخت انسان درباره «طبعه» جهان بردایش او را درباره «خود» تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ این پرسش موضوع اصلی مقاله «پیری لوری» است که در مقاله‌ای با عنوان فوق به تبیین رابطه بین طبیعت فلسفی و خوشنویسی در آرای نصر برداشته است. از نگاه لوری، نصر چون یکی از گروه‌های انسان که می‌خواهد با شناخت هر آنچه می‌پندان، گوهر اصلی را به همان‌ها خداوند است پیدا کند، حکمت خالدایی که نصر از آن سخن می‌گوید، در پی جستجوی یکی از اصول فلسفی حاصل می‌شود. این خطبه، توجه است که از عبارت‌سازی از وحدت الیه و تجمع همه‌گی مطلوب بر گذر از بررسی تحلیل لوری: نصر بر این عقیده است که

۲۰- روح متعالی، سفیده فلسفی و اسلامی کردان فلسفی اتی سینا، تأمینی در دیدگاه‌های نصر بروز مرور، استاد دانشگاه نیویورک، در توصیف جایگاه نصر در فلسفه اسلامی، شدید است که بر

1- Pierre Lory
وحده استناد مکرون به این سبب، تفسیر اساسی را جای گیری تحلیل فلسفی وی کرده و بیشتر از آنها تحلیل کنن، شعراً می‌گوید (ص ۷۳۷). برخلاف فلاسفه‌های مسلمان که در تبیین چایگاه امر قدسی استدلال می‌کردند، نصر بسیار مهم سخن گفته است. مثلاً به عقیده نصر کیمیاگری بهتر از علم شیعی مدرن است، اما چرا و چگونه؟ روشن نیست! نقد دوم مروج، به بحث نصر درباری روح فرازندن و معنای مریبوت است (ص ۷۴۱) که نصر توضیح آن را به اختصار و ابهام برگزار کرده است. در همین رابطه نوستده مقاله از نصر رسید که معنویت گرایی چگونه مادی گروی را خشکی می‌کند؟ چگونه مظاهر حقیقیت در طبیعت متجلي است؟ بین وحی و حقیقت چه ربطی و چه تناسب روشی وجوه دارد؟ نقد سوم مروج بر نصر درخصوص برداشت وی از این سبینا است. مرور با توضیح دیدگاه این سبینا در باب امر ممکن و امر واجب خطاب به نصر می‌گوید که در دیدگاه شما چگونه می‌توان امر نسبتاً مطلق را توضیح داد؟ آیا امر مطلق و نسبی در موجودی به تام انسان قابل جمع است؟ مرور در ادامه به پاره‌ای از مفاهیم نصر

1- Enes Karic

اینگریزی

21- اندرسه‌ی نصر در باب امر قدسی

این‌کاری که در مقام‌های با موضوع امر قدسی و اندرسه‌های سیاسی‌ی انسان‌شناسی نصر به طرح این پرسرش می‌پردازد که
عنوان می‌دارد که هنر سنتی مقدس است و هنر مدرن را بی‌روح و بی‌معنا معرفی می‌کند.

آیا مدرنیسم غربی سرنوشت محروم همه چه چنان است؟ آیا نمی‌توان سنتی زیست؟ مگر آینده به دو بخش مدرنیسم یا نابودی تقسیم می‌شود؟ به نظر کاریج، نصر به عنوان کسی که در غرب درس خوانده و در میان غرب به نقده بین‌المللی مدرنیت مبادتر و رژیم متفکر اصلی است که پاسخ منطقه‌ای است این است که با اصول منطقه‌ای، مدرنیسم و رفرازم در پرسش تحول ارائه نموده است. به تعبیر وی، آرای نصر چون شمشیر می‌بود و چون آفتاب می‌درخشید (ص: 9:4). کاریج گفته که استاد دانشگاه ساراپور است و بیش از سایر منتقدین در معرض کشاکش بین ارزش‌ها اروپایی و اسلامی قرار دارد، بیش از آنکه به نقد نصر بردارد از او تجلیل می‌کند و تقدیرهای نیز اساساً محتواهای نیست، نه اینکه ای که وی به عنوان کاسی در آرای نصر عونان می‌کند این است که نصر هنر مدرن را قبل تدارد و آن را فقط به قابل و بابت سنتی محصور می‌کند. نصر در پاسخ به کاریج، مدرنیسم و اساسی ترین جانش برق جنای مسلمانان و تمام ادبیات سنتی دانسته و

1- Fundamentalism

2- Marritta Stepaniats
وقد أقبل طرفدار فلسفي غرب مدرن من يك نورا نيمست بلكه تكرار كندة ٨٠٧٠(نص ٥٥٧). من طرفدار حكمت خالد في قابل ست مست وعشقان كنه باستثناء مانند ناس هم محتوا داد وهم قابل وأين دو في طول هم مستهدف: نم تووان محتواي اسلام را مطلقبد مدرن نيب وقلبع مفسا: حقيقه را لى فرانت وتأريخ را به تحول منهاي امر قدسي تقليل داده وجهان را بمعنا كرده است.

لوسياند نمعقى است كه نصر
برخلاف علامة أقبال لهوري كه
نگرشي اصلاح قرائه ومعدل نسبت
به مدرنها ذات، ناس را واستطاع
بين زمين وآسماان مي بيند كه في عصر
مدرن بر زمين نبشته وعليه آسماان
شورهده است. استپيانات مدام من
أقبال نمي كن ومعقى است كه
أقبال به نتش أنسان في ساخت جهان و
تون عقل بش في تفسير وترويم امور
جهاني والآخري به نظرهئي رشد و
تكامل أنسان ىو دايت: درحالي كه
أنسان مورد نظر نصر في صدود تطبيق
خود يا قانون جازى عالم است. أكسر
براي أقبال، أنسان وعقلانيت وى مهم
يود، في نز نصر س مفهوم طريقة
شرهت وحقيقه اعتبار دارن. لازم به
ذكر است كه نصر في جواب
استپيانات اظهار مي مارد كه من
و أقبال هو دو طالب آيديد في حزن
إسلام هستيم؛ أما به دو روش مختلف.
من شيءه فيلسوفى سنا إسلام هستم

1- Renewer
2- Locian W. Stone
استون با طرح این پرورش‌ها می‌خواهد بحث را از فضای سیاسی کلی و نامی و خارج و تجلی سیاسی نگرش این سنین در باب مسائل ریشه‌ای و اصلی تر سخن می‌گوید و از سوی به دور از کشاکش‌های روش‌شکنی‌های معمولاً به عنوان یک دین کامل دفاع ایم (م) دیگر نظر این است که، این حواشی فارغ از کلیه تعاملات سیاسی که برای ملاحظه و ایجاد تأثیر حوادث خاص جهان به خصوص جهان اسلام قرار نگیرد تا بنوانه به تعیینی که این دیده دارم با نگرشی باز و بی‌طرف‌های بپردازد (ص: ۲۶۹).}

نصعر در خصوص نسبت اندیشه‌های با سکولاریسم معتقد است که در نظر این شرایط از موضعی روش‌شکنی و مدرنیستی نگاه نکرد و با احکام شریعت ملی است. نظر معتقد است که سیاسات دارای شریعتی است که جهودهای فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد. نصر در پاسخ به پرسش سوم استون می‌گوید: «با بدیم مقصود از بهره‌بردی رهبری طوری‌ها است که حقوقدانی، اصلاحی، معنی‌بردا سیاسی‌ها یا همه آنها؟ پس از آن، با...
ملاحظات اتفاقی
علاوه بر نکات اتفاقی که در متن
این بررسی آمده، اثر حاضر به وقوع
نافذی موقعیت مبیت خود حاوی
کاسی‌های معمولی در دور جهانی محتوا
و روش بهت است.

1- نقد محتوايی
درخصوص محتوای به سه نکته‌ی
اساسی می‌توان اشاره کرد:
اول‌اً در هیچ کدام از نقد‌ها و
پایش‌ها، اگری استاندارد طرح بهث
ملاحته کننده مفتون‌ها انسان‌شناسی،
روش‌شناسی، اخلاقی و هستی‌شناسی
بیان نشده تا تفاوت‌ها و تشابه‌ها
برجنونشده و از پرداختن طرفین
بحث به مسائل کلی و کم ارتباط
جلوگیری به عمل ایم.
ثانیاً معلول نبست که پایخ‌های نصر
به پرستش‌های مذکور، امور و موضوعی
و افتدان‌ها یکی سیدحسنی نصر
و هنجارهای قابل سیدحسنی نصر
می‌باشد. به عبارت ساده‌تر مرز ارزهها
و اندیشه‌ها معین نبست و صرفأ به بان
کلیات به زبان اخیر و مهم اکتفا شده
است.

فواره سوم که هیچ‌یک به مراتب
بهتر دارد، توانمندی طرفین بحث در
1- Factual
۲- نقد روشي

از حوزه‌ی روشناسی هم می‌توان این کاستی را بر این اثر وارد دانست که اولاً طرف‌های بحث از سطح آکادمیک برخوردار نیستند. برخی از طرف‌های بحث اساساً متخصص‌مانند و نظرشان فلسفی به خصوصی فلسفی‌ست. برخی نیز از مردان سیاسی، نشر و تعدادی دیگر از دانشجویان هستند که طرح پرسش و پاسخ را به حکمت نجات یافته‌اند. باز هم این که نصر هیچ کدام از نظرشان را نپذیرفت و هم‌اکنون محدود می‌تواند و بحث را به دفاعی‌های جزئی تبدیل نموده است. نکته‌ای پایان به بخش ضرورت، ربط منطق‌ی و ارزش محتوای نقده آثار ارایه بحث پیشرفت و استدلال قوی‌تر است. این استدلال درخوش‌پذیر کرده و عمقی‌تر است. پاسخ‌های کلیدی دارد که آن را به پاسخ به افزایش گره‌های سیاسی، شناختی منجر شده است. درواقع سیدحسن نصر، پاره‌ای نقطه‌های کلیدی دارد که آن را به پاسخ به افزایش گره‌های سیاسی، شناختی منجر شده است.

۳- سایر کاستی‌ها

دیگر این که در هیچ کدام از بحث‌ها، نصر کاستی در زمان‌های خود را تعیین‌کرده و گوی همه‌ی این اتفاقدات از سر ناگاهی، عادت و تحولات نسل‌های‌یک بهره‌مند که نصر خواسته است به بدل آنها بیاورد که حقیقت‌ها خودش گفتگو است. به عبارت ساده‌تر این که نصر هیچ کدام از نظرشان را نپذیرفت و هم‌اکنون محدود می‌تواند و بحث را به دفاعی‌های جزئی تبدیل نموده است. نکته‌ای پایان به بخش ضرورت، ربط منطقی و ارزش محتوای نقده آثار
بیاناتی این تکنیک نایینی ارزش آکادمیک فلسفی سیدحسن نصر
یست. موارد فوق در کنار اعتبار اثر،
تنوع طرف‌های بحث و نقد
حقیقت‌جویانه سنت‌گراپی از جلاژ
چندانی برخورد نیستند.

مدیر نصیری
E-Mail: Nasri@risstudies.org

مربط است. بعضی از بحث‌ها اصلأ
انقادی را مطرح نساخته و بحث را
 فقط به تلخیص آثار نصر اختصاص
داهنده. علاوه بر آن بخشي از نقد اما
ضرورت طرح نداشته و این امکان
وجود داشته که از بین این نقدها، چند
مورد را انتخاب و به جای اثری حجیم
و قطور، کتابی بر محترم و کم حجم
تولید نمود.